

Explaining the Difference in the Approach of Shia Narrative Interpretations to the Problem of the Difference in Readings in Light of the Contextual Conditions*

Ali Ghafarzadeh**

Mahdi Pichan***

Abstract

This article evaluates the differences of these interpretations' approaches to the problem of differing readings, using the descriptive-analytical method by reformulating well-known Shiite narrative interpretations and utilizing the concept of context. The research findings reveal that the objective of early commentators included in the narrations, which are tangentially linked to the subject of differences in readings, is to demonstrate the imprint of distortion in the Qur'an, not to take up the issue of differences in readings. Nevertheless, Hawizi and Faiz Kashani are authors of more recent narrative commentaries who, while including narrations of distortion, like the earlier commentators, mentioned the narrations in the area of difference of readings relevant to Majma ol-Bayan Tabarsi. Thus, considering the significant role of Sheikh Tusi and his approach to Tafsir al-Tabayan in addressing the narrations of different readings and their influence in his subsequent interpretations of the Qur'an, including Majma ol-Bayan, is a more useful way of understanding the reason for the difference of approach. The selection of Majmael al-Bayan as a source and the rejection of Tabayan by Hawizi and Faiz is a reason for them to mention these hadiths, like Tabarsi, from the point of view of differences in readings, as opposed to the Shaykh, who considers most of these hadiths to be an exegetical function.

Keywords: Differences in readings, Distortion of the Qur'an, The role of the author, The role of the context, Shia narrative interpretations

* Received: 2024-10-21 Revised: 2025-02-12 Accepted: 2025-02-16

** Assistant Professor, Faculty of Theology and Education of Ahl al-Bayt (AS), University of Isfahan, Iran. Email: a.ghafarzadeh@ltr.ui.ac.ir

*** PhD graduate of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: pichanmahdi@gmail.com



تبیین تفاوت رویکرد تفاسیر روایی شیعه نسبت به مسئله اختلاف قرآات در پرتو تحلیل شرایط زمینه‌ای*

علی غفارزاده**

مهدی پیمان***

چکیده

تطبیق تفاسیر روایی شیعه و دقت در وجوه تمایز آنها نشان می‌دهد که مؤلفان تفاسیر روایی با اثرپذیری از شرایط زمینه‌ای، به منظور کشف مراد و مقصود آیات دست کم در دو مقوله گزینش منابع و روایات اجتهاد نموده‌اند. حقیقتی که برخلاف تصور برخی از قرآن‌پژوهان مبنی بر غیر اجتهادی بودن این تفاسیر است. در همین راستا، در این مقاله کوشیده شد تا با روش توصیفی - تحلیلی از طریق تطبیق تفاسیر روایی شیعی مشهور، تفاوت رویکرد این تفاسیر نسبت به مسئله اختلاف قرآات تبیین و تحلیل شود. رهاورد این تحقیق نشان می‌دهد که هدف مفسران متقدم از آوردن روایاتی که به نوعی با مبحث اختلاف قرآات پیوند خورده، ذکر روایاتی مرتبط با وقوع تحریف در قرآن است نه طرح مبحثی با عنوان اختلاف قرآات. اما در سوی مقابل، حویزی و فیض کاشانی از مؤلفان تفاسیر روایی متأخر فرار دارند که اگرچه همانند مفسران متقدم به ذکر روایاتی دال بر وقوع تحریف پرداخته‌اند اما به آوردن روایات حوزه اختلاف قرآات نیز با ارجاع به مجمع‌البیان و جوامع الجامع طبرسی نظر داشته‌اند. توجه به نقش اساسی شیخ طوسی و روش او در تفسیر تبیان در مواجهه با روایات اختلاف قرآات و اثرگذاری آن بر تفاسیر بعدی خود از جمله جمیع البیان به درک بهتر چرایی این تفاوت رویکرد مدد می‌سازد. گزینش مجمع‌البیان به عنوان منبع و کنار نهادن تبیان از جانب حویزی و فیض زمینه‌ای شده تا آنان برخلاف شیخ که از این روایات بیشتر کارکردی تفسیری مدنظر دارد، همچون طبرسی از منظر اختلاف قرآات به ذکر این روایات روی آورند.

کلیدواژه‌ها: تفاسیر روایی شیعه، اختلاف قرآات، نقش مؤلف، نقش زمینه، تحریف قرآن.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

** استادیار دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل:

a.ghafarzadeh@ltr.ui.ac.ir

*** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ایمیل:

pichanmahdi@gmail.com



۱- مقدمه

واریسی سیر تطور و تحول مکاتب تفسیری نمایانگر آن است که در دوره-هایی، عمده توجه مفسران قرآن در راستای تفسیر آیات الهی به گردآوری و تدوین روایات تفسیری خواه همراه با بیان آراء و نظرات خویش در برخی مواضع و خواه تنها با بسنده نمودن به ذکر روایات بوده است. در نگاه سطحی و ابتدایی این چنین به نظر می‌آید که مفسران در تفاسیر روایی بدون هیچ تلاش عقلی و اجتهادی، صرفاً به گردآوری روایات که غالباً به طور مستقیم به بخشی از الفاظ و عبارات آیات اشاره دارد پرداخته‌اند. عاملی که به این نوع نگرش دامن می‌زند تقسیم برخی از مؤلفان آثار در زمینه مکاتب و جریان‌های تفسیری^۱ است که تفسیر روایی را یا به گونه مستقل و یا ذیل تفسیر نقلی در مقابل تفسیر اجتهادی قرار داده‌اند (نک. معرفت، ۱۳۹۴: ۲ / ۲۲۵؛ عمیدزنجانی، ۱۳۷۳: ۱۹۲؛ ایازی، ۱۳۷۳: ۱۱؛ بابایی، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۶۹). برخلاف این تصور، شواهد نشان می‌دهد که تمامی مفسران روایی در راستای کشف مراد و مقصود آیات، دست کم در دو مقوله گزینش منابع و روایات اجتهاد کرده‌اند. تطبیق این تفاسیر با یکدیگر و توجه به مواضع تمایز آنها به خوبی نمایانگر این ادعاست. از جمله مواضع این تمایز، عملکرد مؤلفان این تفاسیر در قبال مسئله اختلاف قرائات است.

ضرورت و اهمیت واکاوی این مسئله در تفاسیر روایی شیعه از آن روست که علاوه بر تبیین جنبه‌هایی مغفول‌مانده از آن، مصداقی از مصادیق اجتهادورزی مؤلفان تفاسیر روایی شیعه در بیان دیدگاه‌های تفسیری‌شان را آشکار سازد. به هنگام سخن از چگونگی اثرپذیری تفاسیر روایی شیعی از شرایط زمینه‌ای، بی‌تردید باید نگاهی داشت به مسئله نقش مؤلف در فهم متن که از برجسته‌ترین مسائل در مباحث هرمنوتیکی و نظریه‌های تفسیر متن است. در یک تحول رویکرد در دیدگاه‌های هرمنوتیکی در قرن نوزدهم، بر

۱. اگرچه در سنت اسلامی توجه به تبیین اصول و قواعد تفسیر قرآن در قالب مقدمه کتب تفسیری و یا در آثاری مستقل و نیز معرفی مفسران و تفاسیر در قالب نگاه‌های نظیر طبقات المفسرین سابقه داشته است، اما باید اذعان داشت که به طور خاص و مشخص، تحقیق و تألیف در خصوص روش‌ها و گرایش‌های تفسیری مفسران و بررسی سیر تحول تاریخ تفسیر پس از انتشار کتاب *مذاهب التفسیر الاسلامی* نوشته ایگناتس گلدتسیهر مطرح گردید. پس از انتشار این کتاب بود که آثار متعددی به گونه‌ای مبسوط پیرامون سیر تحول و تطور تفسیر قرآن، روش‌ها و گرایش‌های مفسران و مکاتب تفسیری مختلف از صدر اسلام تا دوران معاصر به رشته تحریر درآمد (نک. بیجان و نیل‌ساز، ۱۴۰۱: ۶۹-۸۷).

حیات فکری و ذهنی مؤلف و شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر آن، در فهم متن تأکید می‌گردد. طبق این دیدگاه وظیفه خواننده و فهم‌کننده متن - در اینجا تفاسیر روایی شیعه - آن است که متن را در یک شبکه پیچیده به‌گونه‌ای مدنظر قرار دهد که ارتباط آن با مؤلف، با افرادی که با آن مواجه شده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند، با دیگر متن‌هایی که متن مورد نظر در میان آنها ظهور و بروز یافته است و همین‌طور با زمان‌ها و مکان‌های دیگری که بعد از تولید متن مورد نظر آمده‌اند، از هم ننگسلد (دیلتای، ۱۳۹۱: ۲۰۵ - ۲۷۰؛ پالمر، ۱۳۸۴: ۱۰۹ - ۱۳۱). صاحبان این دیدگاه به منظور آگاهی از قصد مؤلف، خواننده متن را به مفهوم «زمینه» توجه می‌دهند. از منظر ایشان تعبیر «زمینه» به مجموعه‌ای پیچیده و غیر متمایز از عوامل اشاره دارد که افزون بر کلمات متن، شامل جنبه‌های اجتماعی، روان‌شناختی، تاریخی، محیط اجتماعی و فرهنگی صدور متن نیز می‌شود. همچنین قواعد و قراردادهایی که مؤلف بر آن تکیه زده است، ارتباط او با مخاطبانش، نوع لغاتی که استفاده می‌کند و بسیاری امور دیگر نیز می‌تواند جزء «زمینه» باشد. به سخن دیگر، تمام آنچه در اختیار و معرض خواننده است و می‌تواند به او برای نزدیک شدن به معنای متعین متن کمک نماید داخل در قلمرو «زمینه» است (هرش، ۱۳۹۵: ۱۲۰ و ۱۲۳).

با این اوصاف و با اذعان به تأثیر شرایط زمینه‌ای در شکل‌گیری تفاسیر روایی، در این مقاله کوشیده‌ایم تا از طریق تطبیق تفاسیر روایی مشهور متقدم و متأخر شیعی یعنی تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، تفسیر فرات کوفی، هر سه متعلق به اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، البرهان بحرانی (۱۰۵۰ - ۱۱۰۷)، نورالثقلین حویزی (م ۱۱۱۲) و الصافی فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱) ذیل تفسیر آیاتی که به نوعی با مبحث اختلاف قرائات پیوند دارد، به دو پرسش اساسی پاسخ دهیم:

یک) رویکرد مؤلفان تفاسیر روایی شیعه در تفسیر آیاتی که به نحوی با مسئله اختلاف قرائات ارتباط دارد چه تفاوت‌هایی دارد؟
دو) چه زمینه‌هایی بر تفاوت عملکرد این مؤلفان اثرگذار بوده است؟

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون تألیفات متعددی به تحقیق درباره مسئله اختلاف قرائات از زوایای گوناگون پرداخته‌اند. برخی از این نگاشته‌ها که ارتباط بیشتری با محتوای این مقاله دارند به ترتیب تاریخ نشر از این قرارند: «اختلاف قرائت یا تحریف قرآن» (مرتضی کریمی‌نیا، ۱۳۸۵)، «روایات ائمه معصومین و توهم تحریف

قرآن با نگاهی بر آرای علامه عسکری» (عبدالرضا زاهدی و اعظم پاک- اندیش، ۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی قرائات منسوب به معصومین» (مرتضی یعقوب‌خانی، لایلا اکرادلو و محسن خوشفر، ۱۳۹۸)، «تحلیل بازتاب قرائات منسوب به معصومین در تفسیر تبیان و مجمع‌البیان» (مرتضی یعقوب‌خانی و لایلا اکرادلو، ۱۳۹۹)، «واکاوی روایات اختلاف قرائت در تفسیر البرهان» (محمدرضا پیرچراغ، مرتضی قاسمی و بشیر سلیمی، ۱۴۰۱) و «واکاوی روایات اختلاف قرائات منسوب به اهل‌بیت (ع) در سوره توبه» (فاطمه ذاکر و داود صائمی، ۱۴۰۲). در هیچ یک از این تحقیقات، به علل و عوامل اثرگذار بر تفاوت رویکرد تفاسیر روایی شیعه در مسئله اختلاف قرائات به-مثابه مصداقی از اجتهادورزی مؤلفان آنها نگرین شده بنابراین، در تحقیق پیش‌رو این مسئله از منظری نو تبیین و تحلیل می‌گردد.

۳- تبیین رویکرد تفاسیر روایی شیعه در مسئله اختلاف قرائات

مؤلفان تفاسیر روایی شیعه در مواضع متعددی به ذکر روایاتی پرداخته‌اند که به‌گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با مسئله اختلاف قرائات است. در روایات دسته نخست که به‌گونه‌ای مستقیم با این مبحث پیوند خورده واژه «قراءة» و مشتقات آن نظیر «قرأ»، «یقرؤها» و «نقرؤها» به چشم می‌آید. اما در روایات دسته دوم که به‌گونه‌ای غیرمستقیم با بیان اختلاف قرائات آیات گره خورده است، عباراتی نظیر «هكذا نزلت»، «نزل بها جبرئیل» و امثالهم دیده می‌شود.

۳-۱- تبیین رویکرد تفاسیر روایی متقدم شیعه در مسئله اختلاف قرائات

قمی^۱ در خلال تفسیر آیات متعددی به بیان روایات مرتبط با اختلاف قرائات آیات اقدام نموده که می‌توان آنها را ذیل دو دسته فوق‌الذکر گنجانده. از نمونه-های دسته نخست مطالبی است که وی درباره آیه ۱۶۸ نساء آورده و در آن به

۱. گفتنی است که در صحت انتساب تفسیر قمی به علی بن ابراهیم قمی تردید جدی وجود دارد. در خصوص مؤلف تفسیر قمی اطلاع دقیقی در دست نیست؛ تنها، احتمالاتی درباره اینکه شاگرد او عباس بن محمد بن قاسم (طهرانی، ۱۴۰۸ق: ۳۰۳/۴) یا شخص دیگری با نام علی بن حاتم قزوینی مؤلف آن است (شبییری زنجانی، بی‌تا: ۷/۲۰۷) مطرح شده که درباره شخص نخست اطلاعی در منابع تراجم، فهرس و رجال دیده نمی‌شود و در خصوص شخص دوم، تنها اطلاعاتی از برخی آثار او و زنده بودن وی در سال ۳۵۰ قمری دیده می‌شود (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۸۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۳). با این حال، در این مقاله به جهت اختصار، مطالبی که از تفسیر قمی نقل می‌شود به قمی نسبت داده می‌شود.

قرائتی از امام صادق (ع) اشاره داشته: «وَقَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَعْفِرَ لَهُمْ وَ لَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقاً إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»^۱ (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۱۵۹/۱). نمونه دیگر روایتی است که وی ذیل آیه ۲۳۸ بقره از امام صادق (ع) آورده: «أَنَّهُ قَرَأَ أَحَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى صَلَاةَ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»^۲ (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۷۹/۱؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. قمی، ۱۴۰۴ ق: ۲۹/۱، ۸۴، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۸۹، ۲۹۵/۲، ۳۴۸، ۳۴۹، ۴۴۱). وی در تمامی این موارد به ذکر قرائت منتسب به اهل بیت (ع) پرداخته اما در موارد انگشت‌شماری نیز به نقل قرائت از عبدالله بن مسعود از صحابه رسول خدا (ص) و زید بن علی از تابعین مبادرت ورزیده است. به عنوان مثال وی ذیل تفسیر آیه ۳۶ رعد به قرائتی از عبدالله بن مسعود اشاره داشته: «و هي في قراءة ابن مسعود و الذي أنزلنا إليك الكتاب هو الحق و من يؤمن به أي علي بن أبي طالب يؤمن به «و مِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُكْفِرُ بَعْضُهُ» أنكروا من تأويل ما أنزله في علي و آل محمد ص و آمنوا ببعضه فأما المشركون فأنكروه كله أوله و آخره و أنكروا أن محمدا رسول الله» (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۳۶۶/۱؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. قمی، ۱۴۰۴ ق: ۲۸۰/۲، ۳۹۱/۱).

اما از نمونه‌های دسته دوم می‌توان به روایتی که وی از امام باقر (ع) ذیل آیه ۶۴ نساء آورده اشاره داشت: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ يَا عَلِيُّ فَاَسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً هَكَذَا نَزَلَتْ»^۳ (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۲/۱؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. قمی، ۱۴۰۴ ق: ۲۹۷/۱، ۶۰/۲، ۱۹۸، ۳۰۱، ۳۷۷، ۳۸۰). در مواردی نیز وی به بیان روایاتی پرداخته که در آن الفاظ و عباراتی از هر دو دسته یاد شده وجود دارد.

۱. اباعبدالله امام صادق (ع) این چنین قرائت کرد: کسانی که در حق آل محمد (علیهم السلام) ظلم کردند هرگز خدا آن‌ها را نخواهد بخشید و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد مگر به راه دوزخ که جاودانه در آن خواهند ماند و این امر برای خدا آسان است.

۲. امام صادق (ع) این چنین قرائت کرد: در انجام به موقع و کامل تمامی نمازها خاصه نماز وسطی یعنی نماز عصر کوشا باشید و از روی خضوع و اطاعت برای خدا به پاخیزید.

۳. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذاشتند به نزد تو ای علی (ع) می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر (ص) هم برای آن‌ها استغفار می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند. آیه این چنین نازل شده است.

به عنوان نمونه در تفسیر آیه ۲۹ جاثیه به گفت‌وگوی میان ابابصیر و امام صادق (ع) درباره قرائت این آیه اشاره داشته: «قُلْتُ «هَذَا كِتَابُنَا يُنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ» قَالَ لَهُ إِنَّ الْكِتَابَ لَمْ يَنْطِقْ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَ لَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص هُوَ النَّاطِقُ بِالْكِتَابِ قَالَ اللَّهُ هَذَا بَكْتَابِنَا يُنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ فَقُلْتُ إِنَّا لَا نَقْرُؤُهَا هَكَذَا فَقَالَ هَكَذَا وَ اللَّهُ نَزَلَ بِهَا جِبْرَائِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ لَكِنَّهُ فِيمَا حُرِّفَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۲۹۵/۱).

عیاشی از دیگر مؤلفان تفاسیر روایی متقدم شیعی در جای‌جای تفسیر خود به ذکر روایاتی مرتبط با مبحث اختلاف قرائات پرداخته است. وی نیز همچون قمی در اغلب موارد به قرائات منسوب به اهل‌بیت (ع) اشاره دارد و در موارد انگشت‌شماری به بیان قرائات منتسب به اشخاصی غیر از اهل‌بیت (ع) می‌پردازد. به عنوان نمونه در تفسیر آیه ۱۱۰ آل عمران از امام صادق (ع) این چنین آورده: «فی قِراءةِ علی ع کنتم خیر ائمة اخرجت للناس قال: هم آل محمد ص»^۱ (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱۹۵/۱). نمونه دیگر روایتی است که ذیل تفسیر آیه ۸۱ هود آورده: «إِنَّا رَسُولُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ مَظْلَمًا قال: قال أبو عبد الله ع و هكذا قِراءةِ أمير المؤمنين ع» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱۵۸/۲). در نمونه‌ای دیگر وی به پرسش و پاسخ میان اسماعیل حریری با امام صادق (ع) درباره آیه ۹۰ نحل می‌پردازد: «قلت لأبي عبد الله ع قول الله «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ» قال اقرأ كما أقول لك يا إسماعيل إن الله يأمر بالعدل و الإحسان و إيتاء ذي القربى حقه قلت جعلت فداك إنا لا نقرأ هكذا في قِراءة زيد قال و لكننا نقرأها هكذا في قِراءة علي ع قلت فما يعني بالعدل قال شهادة أن لا إله إلا الله قلت و الإحسان قال شهادة أن محمدا رسول الله قلت فما يعني بإيتاء ذي القربى حقه قال أداء إمامة إلى إمام بعد إمام «و يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» قال ولاية فلان و فلان» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۲۶۷/۲؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱۸۴/۱، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۱۳، ۳۵۹، ۲۳۵/۲، ۲۶۸).

اما از نمونه‌های دسته دوم روایتی است که وی از امام صادق (ع) درباره‌ی آیه ۳۳ و ۳۴ آل عمران آورده: «قلت له ما الحجة في كتاب الله إن آل محمد هم أهل بيته قال قول الله تبارك و تعالی إن الله اصطفى آدم و نوحا و آل ابراهيم و آل عمران و آل محمد هكذا نزلت «على العالمين ذرية بعضها من

۱. در قرائت علی (ع) این چنین آمده که كنتم خير ائمة اخرجت للناس؛ شما بهترین پیشوایان هستید که برای

مردم قرارداد شده‌اید یعنی آل محمد (علیهم السلام).

بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» و لا يكون الذرية من القوم إلا نسلهم من أصلابهم»^۱ (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱/۱۷۰؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱/۲۴۷، ۲۴۵/۲). در مواردی نیز وی به بیان روایاتی پرداخته که در آن الفاظ و عباراتی از هر دو دسته یادشده وجود دارد. به عنوان مثال ذیل آیه ۱۰۲ آل عمران به گفت‌وگوی میان حسین بن خالد و امام کاظم (ع) درباره‌ی نحوه‌ی قرائت آن چنین آورده: «کيف تقرأ هذه الآية «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» ماذا قلت مسلمون فقال سبحان الله توقع عليهم الإيمان فسميتهم مؤمنين ثم يسألهم الإسلام و الإيمان فوق الإسلام قلت هكذا يقرأ في قراءة زيد قال إنما هي في قراءة علي ع و هو التنزيل الذي نزل به جبرئيل على محمد ع إلا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ لرسول الله ص ثم الإمام من بعده» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱/۱۹۴).

در تفسیر فرات کوفی نیز روایاتی دیده می‌شود که با مبحث اختلاف قرائات در ارتباط است. در این تفسیر نیز همچون دو تفسیر پیشین قرائات منتسب به اهل بیت (ع) و شخصیت‌هایی غیر از اهل بیت (ع) به چشم می‌آید. به عنوان نمونه‌ای از دسته نخست می‌توان به روایتی که فرات ذیل آیه ۲۱۴ شعراء آورده اشاره داشت: «لَمَّا نَزَلَتْ عَلَيَّ «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» وَ رَهْطِكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع هَذِهِ قِرَاءَةُ عَبْدِ اللَّهِ [بن مسعود]» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۳۰۲). مثال دیگر روایتی است که وی ذیل آیه ۵۷ زخرف آورده: «يَا عَلِيُّ إِنَّ فِيكَ مَثَلًا مِنْ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ إِنَّ الْيَهُودَ أَبْغَضُوهُ حَتَّى بَهْتُوهُ وَ إِنَّ النَّصَارَى أَحَبُّوهُ حَتَّى جَعَلُوهُ إِلَهًا وَ يَهْلِكُ فِيكَ رَجُلَانِ مُحِبٌّ مُفْرَطٌ وَ مُبْغَضٌ مُفْتَرٍ قَالَ الْمُنَافِقُونَ مَا قَالُوا مَا رَفَعَ بَضْبِعِ ابْنِ عَمِّهِ جَعَلَهُ مَثَلًا لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ع وَ كَيْفَ يَكُونُ هَذَا وَ ضَجُّوا مَا قَالُوا فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى هَذِهِ الْآيَةَ «وَ لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونُ» قَالَ أَيُّ يَصْجُونَ قَالَ وَ فِي قِرَاءَةِ أَبِي [بن كعب] يَصْجُونَ»^۲ (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۴۰۴؛ برای

۱. راوی از امام پرسید که چه حجت و دلیلی در قرآن هست مبنی بر اینکه آل محمد (ص) همان اهل بیت (ع) ایشان هستند؟ حضرت این آیه را قرائت کردند: همانا خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران و خاندان محمد (ص) را بر جهانیان برتری داد و فرمودند آیه این چنین نازل شده است. آنها فرزندان و دودمانی بودند که از نظر پاکی و تقوا و فضیلت همانند یکدیگر بودند؛ و خداوند شنا و داناست و مراد از ذریه افرادی هستند که از صلب ایشان و از طریق تولید و تناسل به وجود آمدند.

۲. پیامبر (ص) به امام علی (ع) فرمود: در تو شباهتی به عیسی (ع) است. یهود او را چنان دشمن داشتند که به مادرش نسبت ناروا دادند و مسیحیان آن‌گونه دوستش داشتند که او را در جایگاه ناشایست خدایی قرار دادند.

نمونه‌های بیشتر نک. فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۱۳۹، ۲۴۶، ۳۵۳، ۳۸۱، ۴۰۰، ۴۰۵).

اما از نمونه‌های دسته دوم روایتی است که وی از امام باقر (ع) در خصوص آیات ابتدایی سوره قلم بیان داشته: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنْتَ بِتَلِيغِكَ مَا بَلَّغْتَ فِي عَلِيٍّ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ فَسَتُنْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ بِأَيْكُمُ الْمُتَّقُونَ قَالَ وَ هَكَذَا نَزَلَتْ»^۱ (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۴۹۷). وی در برخی از موارد نیز روایتی آورده که تعبیر موجود در هر دو دسته فوق در آن قابل مشاهده است مانند روایتی که از امام صادق (ع) در خصوص آیه ۲۴ نحل بیان می‌دارد: «قَرَأَ جَبْرِئِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ ص هَذِهِ الْآيَةُ هَكَذَا وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ فِي عَلِيٍّ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»^۲ (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۲۳۴).

۳-۲- تبیین رویکرد تفاسیر روایی متأخر شیعه در مسئله اختلاف قرائات

همچون تفاسیر متقدم یادشده در تفاسیر متأخر روایی شیعه نیز طرح اختلاف قرائات آیات قرآن به چشم می‌آید. بحرانی در موارد متعددی به ذکر روایت در این باره پرداخته است. اگر چه تعداد دفعاتی که وی به این امر پرداخته نسبت به تفاسیر متقدم یادشده فزونی یافته اما رویکرد وی به روایات این حوزه تفاوتی با پیشینیان خود ندارد. وی با استفاده از منابعی نظیر *بصائر الدرجات* صفار قمی، *تفسیر قمی*، *تفسیر عیاشی*، *کافی کلینی*، *عیون و آمالی صدوق و مناقب ابن شهر آشوب* به نقل این روایات اقدام نموده است. *تفسیر قمی*، *تفسیر عیاشی* و *کافی* منابعی هستند که وی به تعداد دفعات بیشتری در این زمینه از آنها بهره جسته است. در کنار تمامی این منابع و به گونه‌ای برجسته‌تر وی از

درباره تو نیز دو طایفه خود را در وادی هلاک انداخته‌اند؛ یکی دوستدار افراط‌گر که اعتقاد زیاده از حد درباره تو دارد و دیگری دشمن افراط‌گر که کینه و بغض تو را در دل خود جای می‌دهد. در قرائت ابی‌بن کعب آمده که یصدون یعنی یضجون به این معنا که منافقان هنگامی که گفته‌های تو درباره علی (ع) را می‌شنوند به سبب آن داد و فریاد راه می‌اندازند.

۱. ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنْتَ بِتَلِيغِكَ مَا بَلَّغْتَ فِي عَلِيٍّ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ فَسَتُنْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ بِأَيْكُمُ الْمُتَّقُونَ قَالَ وَ هَكَذَا نَزَلَتْ (ص) گفتند وَ إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ بِهِ سَبَبِ ابْلَاغِ أَنْجَحٍ فِي مَوْلَى عَلِيٍّ (ع) ابلاغ نمودی. آیه این چنین نازل شده است.

۲. جبرئیل این آیه را این چنین بر محمد (ص) قرائت کرد: آنچه پروردگارتان درباره علی (ع) نازل کرد را افسانه‌های پیشینیان پنداشتند.

مجمع البیان طبرسی استفاده کرده است. همانند تفاسیر پیشین، تمامی روایاتی که بحرانی در این حوزه آورده را می‌توان ذیل دو دسته مذکور جای داد. او در اغلب موارد به نقل قرائت منتسب به اهل بیت (ع) مبادرت ورزیده و در موارد انگشت‌شماری نیز قرائت منسوب به صحابه رسول خدا (ص) را آورده است. به عنوان مثال و از دسته نخست این روایات که در آنها لفظ «قراءة» و مشتقات آن دیده می‌شود می‌توان به روایتی از امام صادق (ع) اشاره داشت که در آن پاسخ امام به پرسش عبدالله بن سلیمان آمده و در خلال آن قرائتی منسوب به امام علی (ع) از آیه ۳۹ ص ارائه شده: «سألته عن الإمام فوض الله إليه كما فوض إلى سليمان بن داود؟ فقال نعم و ذلك أن رجلا سأله عن مسألة فأجابها عنها و سأله آخر عن تلك المسألة فأجابها بغير جواب الأول ثم سأله آخر فأجابها بغير جواب الأولين ثم قال هذا عطاؤنا فامنن أو أعط بغير حساب و هكذا هي في قراءة علي ع»^۱ (بحرانی، ۱۳۷۴: ۳۴۰/۴). در موضعی دیگر به نقل روایتی از امام رضا (ع) در مجلس مأمون پرداخته که در اثنای آن به نحوه قرائت آیه ۲۱۴ شعراء اشاره شده: «حضر الرضا ع مجلس المأمون بمر و قد اجتمع في مجلسه جماعة من علماء أهل العراق و خراسان و ذكر الحديث إلى أن قال قالت العلماء فأخبرنا هل فسر الله عز و جل الاصطفاء في الكتاب؟ فقال الرضا ع فسر الاصطفاء في الظاهر سوى الباطن في اثني عشر موطناً و موضعاً فأول ذلك قوله تعالى و أنذر عشيرتک الأقربین و رهطک المخلصین هكذا في قراءة أبي بن كعب و هي ثابتة في مصحف عبدالله بن مسعود...»^۲ (بحرانی، ۱۳۷۴: ۱۸۶/۴؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. بحرانی، ۱۳۷۴:

-
۱. عبدالله بن سلیمان گوید: از حضرت درباره‌ی امام پرسیدم که آیا خداوند آنچه را به سلیمان بن داود تفویض نموده به امام نیز تفویض نموده است؟ فرمود: بله و دلیل این امر آن است که مردی از حضرت علی (ع) مسئله‌ای پرسید و ایشان آن را پاسخ گفت. سپس دیگری همان سؤال را از وی پرسید و ایشان پاسخ دیگری به سؤال وی داد و آنگاه شخص سومی همان سؤال را مطرح نمود و امام (ع) پاسخی متفاوت با دو پاسخ قبلی به وی داد و سپس فرمود: هَذَا عَطَاؤُنَا فَاْمَنُّنْ أَوْ أُعْطِ بَغَيْرِ حِسَابٍ و این آیه با قرائت علی (ع) به همین شکل است.
 ۲. امام رضا (ع) در مرو وارد مجلس مأمون شد و در آن مجلس گروهی از علمای عراق و خراسان نیز حاضر بودند. عالمان گفتند: برایمان بازگو کن که آیا خداوند در کتابش اصطفاء را شرح داده است؟ امام رضا (ع) فرمود: خداوند این موضوع را تنها در ظاهر و غیر از باطن در دوازده جای قرآن بیان داشته و نخستین موضع آن این گفته‌ی خداوند است: وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ رَهْطَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ که این قرائت ابی بن کعب بوده و در مصحف عبدالله بن مسعود نیز ثبت شده است.

۱۰۷/۱، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۱۶، ۶۱۲، ۶۵۳، ۶۶۸، ۶۷۶، ۶۷۹، ۷۲۳، ۷/۲، ۲۰۳، ۳۸۱، ۴۷۲، ۶۴۰، ۶۸۰، ۷۸۴، ۸۶۱، ۱۲۹/۳، ۱۳۱، ۱۷۲، ۲۶۳، ۲۹۳، ۳۱۶، ۳۸۲، ۴۴۸، ۴۵۹، ۶۱۲، ۷۵۹، ۸۸۹، ۹۰۴، ۱۱/۴، ۱۱۴، ۴۴۵، ۸۷۶، ۷۲/۵، ۷۴، ۲۴۰، ۲۶۰، ۲۷۳، ۳۷۹، ۴۸۴، ۸۱۴).

اما از نمونه‌های دسته دوم که در آن تعبیری همچون «هكذا نزلت»، «نزل بها جبرئیل» و مانند آن وجود دارد می‌توان به روایتی که وی ذیل تفسیر آیه هفت حمد از امام صادق (ع) آورده اشاره داشت: «في قوله غير المغضوب عليهم و غير الضالين قال هكذا نزلت و قال المغضوب عليهم فلان و فلان و فلان و النصاب و الضالين الشكاك الذين لا يعرفون الإمام» (بحرانی، ۱۳۷۴: ۱۱۷/۱؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. بحرانی، ۱۳۷۴: ۴۴۷/۱، ۶۱۵، ۶۷۳، ۶۷۶، ۱۱۱/۲، ۱۲۴، ۷۹۱، ۷۵۹/۳، ۸۹/۴، ۴۹۸، ۸۷۶، ۳۱/۵، ۳۸، ۵۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۴۲۹، ۵۱۲). در مواردی نیز تعبیر هر دو دسته یادشده در روایت آمده مانند آنچه در تفسیر آیات ابتدایی سوره معارج آمده: «ثم أتى الوحي إلى النبي ص فقال سأل سائلٌ يعذاب واقعٌ للكافرين بولاية عليٍّ ليس له دافعٌ* من الله ذي المعارج قال قلت جعلت فداك إننا لا نقرأها هكذا؟ فقال هكذا أنزل الله بها جبرئيل على محمد ص و هكذا أثبتت في مصحف فاطمة ع»^۱ (بحرانی، ۱۳۷۴: ۶۸۰/۲).

فیض کاشانی از دیگر مؤلفان تفاسیر متأخر روایی شیعه نیز در مواضع متعددی از تفسیر خود پیرامون اختلاف قرائات آیات سخن رانده است. عملکرد فیض نمایانگر تفاوت رویکرد او نسبت به روایات این حوزه است. دقت در مضمون روایات مرتبط با مبحث اختلاف قرائت که در تفاسیر پیشین آمد نشان می‌دهد در اکثر قریب به اتفاق موارد قرائت متفاوتی که از آیه ارائه می‌شود مرتبط با بیان فضائل و مناقب اهل بیت (ع) و دوستداران ایشان یا در مذمت و نکوهش دشمنان اهل بیت (ع) است. روایاتی که مؤلفان تفاسیر یادشده از آن به عنوان شاهد و قرینه‌ای در راستای اثبات وقوع تحریف در قرآن و وجود تغییر و تبدیل در آیات آن برخلاف آنچه که نازل شده بهره برده‌اند. لازم به ذکر است که قاطبه علمای شیعه در گذر زمان به مصونیت قرآن از هرگونه تحریف به زیادت و نقصان باور داشته و دارند. کاظم استادی در

۱. وحی بر پیامبر (ص) نازل شد: تقاضاکننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد. این عذاب مخصوص کافران به ولایت علی (ع) است و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند. ابوبصیر گوید به امام صادق (ع) عرضه داشتیم: فدایت شوم ما این آیات را این‌گونه نمی‌خوانیم. فرمود: جبرئیل این آیات را این‌گونه بر محمد (ص) نازل کرد و به خدا سوگند در مصحف حضرت فاطمه (س) این‌گونه ثبت شده است.

مقاله خود با عنوان «کتاب‌شناسی عدم تحریف قرآن»، آثار بی‌شمار نگاشته شده در این زمینه را از سوی عالمان متقدم و متأخر شیعه فهرست کرده است. تألیفات و تحقیقاتی که نمایانگر باور شیعه مبنی بر مصونیت قرآن از هرگونه تحریف است. با این حال عملکرد عیاشی، فرات کوفی و قمی از مؤلفان متقدم تفاسیر روایی شیعه و حویزی و بحرانی از مؤلفان متأخر این تفاسیر گویای باور ایشان به وقوع تحریف در قرآن است. در این میان فیض کاشانی برخلاف سایر همگنان معاصر و متقدم خود، بر عدم تحریف قرآن تأکید می‌ورزد. وی در مقدمه ششم تفسیر صافی با عنوان «فی نذی ما جاء فی جمع القرآن و تحریفه و زیادته و نقصانه و تأویل ذلک» به توجیه و تأویل روایاتی از تفسیر قمی، کافی کلینی و احتجاج طبرسی مرتبط با بحث تحریف پرداخته است. فیض در ارزیابی این روایات با استناد به آیات ۹ حجر و ۴۲ فصلت و نیز روایات عرضه احادیث به قرآن، قول به تحریف را خلاف حکمت الهی می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۱/۴۰-۵۶).

مجادلات کلامی میان عالمان شیعه و اهل سنت با تأکید بر آغاز تحریف-انگاری از سوی منابع و مراجع اهل سنت و رویکرد تقابلی ضد سنی در میان تفاسیر روایی متقدم در کنار وجود گرایش اخباری در میان مؤلفان تفاسیر روایی متأخر که از شاخصه‌های آن تساهل و تسامح در قبول روایات است، از زمینه‌های اثرگذار در باورمندی این مفسران به وقوع تحریف در قرآن است. در سوی مقابل، وجه عقل‌گرایانه اندیشه فیض کاشانی متأثر از تفکر فلسفی وی زمینه‌ای شده تا وی برخلاف پنج مفسر دیگر و همچون قاطبه عالمان شیعه، باور به تحریف قرآن را به مثابه باوری غیر عقلانی و خلاف حکمت رد کند (نک. پیچان و نیلساز، ۱۴۰۳: در دست انتشار؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۰: ۴۱-۷۸).

در ارزیابی روایاتی که در تفاسیر روایی شیعه آمده و به نوعی مُشعر به وقوع تحریف در قرآن است باید گفت که عالمان شیعه با ارائه شواهد و قرائنی از کلام معصومین (ع) (صفارقی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۱۹۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۴۳۲/۱) و با توجه کردن به معنای لغوی لفظ «تنزیل» (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۴۱۷/۵) چنین بیان داشته‌اند که ائمه هداة به هنگام به کار بردن کلمات و عباراتی از قبیل «نزلت فی کذا»، «هکذا نزلت» و «هکذا نزل بها جبرئیل» قصد بیان معنا، مفهوم و تفسیر آیات را داشته‌اند و اگر هم در مواردی به قصد بیان وحی الهی از چنین عباراتی بهره جسته‌اند، مقصود ایشان از وحی، «وحی بیانی» و تشریح و تفسیر آیات الهی بوده نه «وحی قرآنی» (نجارزادگان، ۱۳۸۲: ۵۹-۶۳). دسته دیگری از این روایات، احادیثی هستند که به عقیده طرفداران عدم وقوع تحریف در قرآن ذیل مبحث

اختلاف قرائات قرار می‌گیرند و خارج از دامنه تحریف مورد نزاع واقع می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۵۲) و این در حالی است که قائلان به تحریف قرآن این روایات را دالّ بر وقوع تحریف برشمرده‌اند. با این اوصاف و با عنایت به تمامی روایاتی که در تفاسیر روایی شش‌گانه به جز صافی فیض کاشانی آمده و لااقل در نگاه ابتدایی مشعر به وقوع تحریف در قرآن است می‌توان گفت که مؤلفان این تفاسیر از قائلان به وقوع تحریف در قرآن به شمار می‌روند. هر چند بتوان با ذکر توجیهات و تأویلاتی مفاد این روایات را در ارتباط با وقوع تحریف در قرآن ندانست اما به هر حال روایاتی در این تفاسیر دیده می‌شود که به هیچ نحو قابل توجیه و تأویل نبوده و مفاد آنها دلالت بر وقوع تحریف در قرآن دارد. روایاتی که از منظر قاطبه علمای شیعه با ایراداتی از قبیل ضعف سندی، مخالفت با قرآن، مخالفت با سنت، مخالفت با اجماع و مخالفت با عقل روبه‌روست (نک. معرفت، ۱۴۲۸ ق: ۲۰۶-۲۴۲؛ احمدی، ۱۳۸۵: ۹۷-۱۲۳).

همان‌گونه که ذکر شد فیض در موارد کم‌شماری به ذکر روایات یادشده در *الصفافی* پرداخته (نک. فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۳۶۵/۱، ۳۴۴/۲، ۳۷۳، ۱۵۱/۳، ۸/۵) اما عمده اهتمام وی به آوردن روایاتی است که ارتباط چندانی با مضامین مناقب و مثالب ندارد. در تمامی این موارد وی با ارجاع به مجمع *النبیان* و *جوامع الجامع* طبرسی به ذکر این روایات اقدام می‌نماید. به عنوان مثال درباره‌ی آیه ۱۱۹ توبه؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» این چنین آورده: «و في المجمع عن الصادق ع أنه قرأ من الصادقين» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۳۸۸/۲). در خصوص نحوه‌ی قرائت آیه ۶ مریم؛ «بِرُثْيٰی وَ بَرِثٌ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» این چنین بیان می‌دارد: «و في المجمع عن السّجّاد و الباقر علیهما السلام أنّهما قرءا برِثْني و أُرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۲۷۴/۳). نمونه دیگر آیه ۱۱۰ توبه؛ «إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ» است که درباره آن این چنین بیان داشته: «في الجوامع عن الصادق ع أنه قرأ إلى أَنْ تَقَطَّعَ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۳۸۰/۲). در خصوص قرائت آیه ۳۱ رعد؛ «أَفَلَمْ يَنبَأِ الَّذِينَ آمَنُوا» این روایت را نقل کرده: «و في المجمع قرأ عليّ و عليّ بن الحسين و جعفر بن محمد عليهم السلام أفلم يتبين قيل و ينسب هذه القراءة إلى جماعة من الصحابة و التابعين» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۷۱/۳؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۱۷۸/۱، ۲۲۰، ۲۵۲، ۳۷۹، ۳۸۰، ۱۱۶/۲، ۲۰۱، ۲۶۶، ۳۲۷، ۳۵۸، ۳۸۰، ۴۳۱، ۲۳/۳، ۱۷۸، ۲۶۶، ۲۷۴، ۴۰/۴، ۱۲۹/۵، ۱۹۵).

شاهد دیگری بر این تغییر رویکرد آنکه فیض برخلاف مفسران پیشین که تنها به ذکر قرائات منتسب به اهل بیت (ع) و صحابه رسول خدا (ص) بسنده نموده‌اند به قرائات قرآء مشهور نیز نظر داشته است. تنها موردی که وی به

این امر مبادرت ورزیده ذیل آیه ۳ تحریم؛ «عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» قابل مشاهده است: «و قرئ بالتخفيف في المجمع و اختار التخفيف ابو بكر بن أبي عيَّاش و هو من الحروف العشرة التي قال آتني أدخلتها في قراءة عاصم من قراءة علي بن أبي طالب ع حتى استخلصت قراءته يعني قراءة علي ع» (فيض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۱۹۴/۵). همان گونه که پیداست در این موضع وی به قرائت ابوبکر بن ابی عیاش به عنوان یکی از دو راوی قرائت کوفی از عاصم از برجسته ترین قاریان هفت گانه اشاره داشته است.

تغییر رویکردی که در عملکرد فیض دیده می شود به طور چشم گیرتری در روش حویزی در *نور الثقلین* قابل مشاهده است. وی همانند فیض هر چند در موارد کم شماری به ذکر روایات اختلاف قرائت با مضامین مرتبط با بیان مناقب و مثالب و وقوع تحریف در قرآن می پردازد (نک. حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۲۰۷/۱، ۳۸۲، ۵۷۶، ۲۶۳/۲، ۲۸۳/۳، ۳۷۵، ۲۷/۵، ۴۱۱) اما در بیشتر موارد به ذکر روایاتی اقدام می نماید که ارتباطی با این مضامین ندارد. هم چون فیض، حویزی نیز با استناد به مجمع البیان و جوامع الجامع طبرسی به این امر مبادرت می ورزد. در پاره ای از این روایات قرائت منتسب به اهل بیت (ع) در کنار قرائت صحابه ای همچون عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب و ابن عباس بیان شده است.

به عنوان نمونه ذیل آیه ۱۵ طه این چنین بیان داشته: «في مجمع البیان و روی عن ابن عباس أكاد أخفيها من نفسي و هي كذلك في قراءة أبي و روی ذلك عن الصادق ع» (حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۳۷۵/۳). مثال دیگر روایتی است که وی ذیل آیه ۴۷ اعراف؛ «وَ إِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تَلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الظَّالِمِينَ» آورده: «في مجمع البیان و روی ان في قراءة عبد الله بن مسعود و سالم و إذا قلبت أبصارهم تلقاء أصحاب النار قالوا ربنا عانذا بك ان لا تجعلنا مع القوم الظالمين و روی ذلك عن أبي عبد الله ع» (حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۳۶/۲؛ برای نمونه های بیشتر نک. حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۱۴۳/۲، ۱۹۴، ۲۱۷، ۲۴۱، ۴۲۹، ۵۰۷، ۵۴۵، ۵۵/۳، ۹۰، ۱۳۸، ۳۲۳، ۴۹۸، ۹۹/۴، ۲۱۶، ۹/۵، ۲۲۷، ۳۷۱).

آنچه اما به طور برجسته تری نمایانگر تغییر رویکرد حویزی در مواجهه با روایات اختلاف قرائت است آن است که وی در موارد متعددی به نقل قرائت قاریان هفت گانه و چهارده گانه و سایر قرآء می پردازد. امری که در تفسیر الصافی فیض تنها در یک مورد دیده شد و در سایر تفاسیر اصلاً وجود نداشت. حویزی تمامی این روایات را با ارجاع به مجمع البیان و جوامع الجامع می آورد. به عنوان نمونه ذیل آیه ۱۱۰ توبه؛ «في قلوبهم إلا أن تقطع قلوبهم» این چنین آورده: «في مجمع البیان و قراءة يعقوب و سهل إلى أن على

انه حرف الجر و هو قِراءة الحسن و رواه البرقي عن أبي عبد الله ع (حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۲/۲۶۹). نمونه دیگر روایتی است که وی ذیل آیه ۱۲۸ توبه؛ «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» آورده: «في مجمع البيان و قرأ ابن عباس و ابن علیة و ابن محیصن و الزهري أَنْفُسِكُمْ يَفْتَحُ الْفَاءَ و قيل انها قِراءة فاطمة ع» (حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۲/۲۸۷). مثال دیگر روایتی است که ذیل آیه ۱۵۹ انعام؛ «إِنَّ الَّذِينَ قَرَّءُوا مِنْهُمْ وَ كَانُوا شِيعَةً» به آن اشاره داشته: «في مجمع البيان قرأ حمزة و الكسائي هاهنا و في الروم فَارْقُوا بِالْأَلْفِ و هو المروي عن علي ع» (حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۱/۷۸۳؛ برای نمونه‌های بیشتر نک. حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۱/۱۲۰، ۷۵۱، ۲/۱۸۸، ۲۶۹، ۲۷۴، ۱۵/۳، ۱۴۵، ۳۱۱، ۶۰۲، ۴/۸، ۶۸، ۵/۴۵، ۱۱۱، ۲۲۸، ۳۷۰، ۶۶۲).

۴- تحلیل شرایط زمینه‌ای اثرگذار در تفاوت رویکرد تفاسیر روایی شیعه

توجه به نقش اساسی شیخ طوسی (م ۴۶۰) و روش او در تفسیر تبیین به منزله نقطه عطفی در سیر نگارش تفاسیر شیعه از لحاظ نوع مواجهه با روایات مرتبط با حوزه اختلاف قرائات، به فهم بهتر چرایی تمایز تفاسیر روایی شیعه در این مقوله کمک می‌نماید.

۴-۱- تفاسیر شیعه پیش از شیخ طوسی

برخلاف آنکه سه تن از میان قاریان هفت‌گانه به نام‌های عاصم، حمزقبن حبیب و کسائی را از شیعیان برشمرده‌اند (نک. خوئی، ۱۴۱۳ ق: ۱۰/۱۹۵، ۲۷۹/۷، ۴۲۸/۱۲) اما تا پیش از شیخ طوسی نقل قرائات مشهور و چه رسد به قرائات شاذ در تفاسیر روایی شیعه جایگاهی ندارد. صاحبان این تفاسیر تنها به ذکر روایات معدودی مرتبط با حوزه اختلاف قرائات پرداخته‌اند که در اغلب موارد منتسب به اهل بیت (ع) بوده و در موارد انگشت‌شماری منسوب به صحابه رسول خدا (ص) و تابعین است. مفسران متأخر با گرایش اخباری در کنار مفسران متقدم با گرایش جدلی تقابلی ضد سنی، وجود چنین روایاتی را قرینه‌ای بر تحریف قرآن و وقوع تغییر و تبدیل در آیات قرآن برخلاف آنچه که نازل شده دانسته‌اند (به عنوان نمونه نک. قمی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۹۵؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۳۱/۵).

۴-۲- تفاسیر شیعه پس از شیخ طوسی

ظهور شیخ طوسی و تألیف تفسیر تبیان فصل جدیدی را در نگاشته‌های تفسیری شیعه به وجود آورد. وی در تفسیر خود به‌گونه‌ای چشم‌گیر و غیرقابل مقایسه با تفاسیر روایی شیعی پیش از خود، به ذکر قرائات مختلف روی آورد. شیخ نه تنها به قرائات قرآء سبعة^۱ روی خوش نشان می‌دهد (به عنوان نمونه نک. طوسی، بی‌تا: ۳۸۱/۲، ۴۱۸، ۴۳۳، ۳۴/۳، ۳۹۱، ۶۲/۴، ۱۴۶/۵) بلکه به ذکر قرائات هفت قاری دیگر^۲ نیز می‌پردازد (به عنوان نمونه نک. طوسی، بی‌تا: ۳۸۳/۲، ۴۵۰، ۴۶۶، ۲۰/۳، ۹۷/۴، ۲۲۱/۵). علاوه بر این، بیان قرائات منسوب به صحابه و ذکر قرائات شاذ نیز در تبیان امری بسیار معمول است (به عنوان نمونه نک. طوسی، بی‌تا: ۳۸۸/۲، ۴۱۷، ۴۹/۳، ۳۷۰، ۲۱۶/۵). زمینه چنین تغییر رویکردی را باید در فضای سیاسی اجتماعی بغداد قرن چهارم و پنجم جست‌وجو نمود. با قدرت گرفتن حکومت آل‌بویه با گرایش شیعی و در بحبوحه منازعات علمی و دینی فرق مختلف در جامعه بغداد، شیخ کوشید تا در آثار مختلف فقهی، کلامی و تفسیری خود نظیر *الخلافة، عدة الاصول، النهایة، الاقتصاد الی طریق الرشاد، اصول العقائد و التبیان* به صورتی گسترده با اهل سنت وارد تعامل شود. تعاملی که در عین استفاده از منابع و مراجع اهل سنت، هویت مستقل شیعی خود را حفظ کرد و به دفاع از تفکر شیعه در مواجهه با مخالفان پرداخت (نک. کریمی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۱-۵۰؛ رضازاده عسکری، ۱۳۸۴: ۲۳۵-۲۵۰).

مؤیدی بر نقش کلیدی شیخ طوسی در تغییر رویکرد تفسیر شیعه در مبحث اختلاف قرائات در کلام علامه عسکری هویداست. از منظر علامه عسکری ورود روایات مرتبط با اختلاف قرائات از منابع و مراجع اهل سنت به تألیفات شیعه دو علت داشته است: نخست تأثیر غلات با سوء نیت و دوم عملکرد برخی علما از روی حسن نیت. در دسته نخست شاخص‌ترین اشخاص احمدبن محمد سیّاری است و در دسته دوم برجسته‌ترین شخصیت شیخ طوسی است که در تفسیر خود به نقل قرائات اخذشده از منابع اهل سنت با امانت‌داری کامل اقدام نموده است. اقدامی که در سده‌های بعد به واسطه عالمانی چون فضل‌بن حسن طبرسی، ابوالفتوح رازی، ابوالمحاسن جرجانی و محمدبن مرتضی کاشانی ادامه یافت. به عقیده علامه عسکری تفاوت سیّاری

۱. اسامی قاریان هفت‌گانه از این قرار است: ابن عامر دمشقی، ابن کثیر مکی، عاصم بن ابی النجود کوفی، ابو عمر بصری، حمزة بن حبیب کوفی، نافع مدنی و کسائی کوفی.

۲. اسامی این هفت قاری از این قرار است: خلف بن هشام، یعقوب بن اسحاق حضرمی، ابن محیصن مکی، حسن بصری، ابوجعفر مدنی، سلیمان بن مهران و یحیی بن مبارک.

با شیخ طوسی در این است که شیخ با امانت‌داری کامل، تمام این اختلاف قرائات را به اصحاب اصلی‌اش نسبت می‌دهد و هیچ چیز از خود نمی‌افزاید. اما سیاری همواره سندی جعلی می‌سازد و همان مطالب را به ائمه (ع) نسبت می‌دهد و گاه از پیش خود چیزی می‌سازد و آن را به دروغ به ائمه (ع) نسبت می‌دهد (عسکری، ۱۴۱۶ ق: ۳/۲۴۶-۲۵۲).

مطلب دیگر تفاوت شیخ طوسی با عالمان پس از خود است. شیخ در اکثر قریب به اتفاق موارد روایاتی که ناظر به نحوه قرائت خاصی از ائمه است را در میانه مباحث تفسیری تبیین آورده نه در خلال بیان نکات ادبی یا قرائتی. شیخ هیچ‌گاه این دسته از روایات را در کنار قرائات قراء سبعة و عشرة ذکر نمی‌کند. در حقیقت شیخ از این دسته روایات کارکردی تفسیری مدنظر دارد و در راستای شرح و تبیین معنای آیات از آن بهره می‌برد. وی به ندرت تلاش می‌کند تا ائمه (ع) را در زمره قراء مشهور بگنجاند. البته شیخ در موارد معدودی از منقولات قرائتی منسوب به ائمه (ع) در راستای بیان صرف قرائت و نه به عنوان تفسیر آیات بهره می‌جوید. البته با این قید که روش او در این دو حالت و تعبیری که به کار می‌بندد، متفاوت است تا به نوعی این دو کارکرد را از هم تفکیک نماید (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۷-۹).

اینها همه در حالی است که عالمان پس از شیخ طوسی همچون طبرسی (م ۵۴۸) این‌گونه روایات را از قبیل اختلاف قرائات دانسته‌اند و عمدتاً در لابه‌لای مباحث مرتبط با قرائات در تفاسیر خود آورده‌اند. از اینجا برمی‌آید که نحوه مواجهه شیخ طوسی با روایات تحریف‌نا پس از وی و به دست طبرسی منجر به تثبیت این اقوال به عنوان قرائات ائمه (ع) شده است. دقت در تاریخ تفسیر شیعه نشان می‌دهد که تا پیش از قرن چهارم توجه چندانی به جنبه‌های ادبی قرآن نمی‌شود اما از دوران سید مرتضی (م ۴۳۶) و شیخ طوسی عنایت به مباحث ادبی گسترش می‌یابد. *تُرر الفوائد* و *غرر القلائد* سید مرتضی و *التبیین* شیخ طوسی بازتاب‌دهنده چنین رویکردی هستند. رویکردی که بر مفسران بعدی شیعه از جمله طبرسی تأثیر به‌سزایی داشته است. افزون بر این مطلب، زمینه دیگری که منجر شده تا طبرسی به طرح مباحث ادبی قرآن که اختلاف قرائات یکی از جنبه‌های آن است، اهتمام ویژه‌ای داشته باشد فضای ادبی حاکم بر تفاسیر قرن ششم است. فضایی که تفاسیر *الکشاف* زمخشری (م ۵۳۸) و *المحرر الوجیز* ابن عطیة اندلسی (م ۵۴۲) نمونه‌های شاخص نمایانگر آن هستند (نک. یعقوب‌خانی و اکرادلو، ۱۳۹۹: ۱۲۰ و ۱۲۱).

مقایسه دو تفسیر تبیین و مجمع البیان با یکدیگر ذیل آیات مشخص نمایانگر تفاوت رویه‌ی شیخ طوسی با طبرسی در مواجهه با این روایات

است. شاهد مثالی بر این امر آیه ۹ تحریم؛ «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ» است. طبرسی در تفسیر این آیه روایتی را در خصوص اختلاف قرائت آن می‌آورد: «روى عن أبي عبد الله ع أنه قرأ جاهد الكفار بالمنافقين» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷۸/۱۰). حال آنکه شیخ از مفاد آن در راستای تبیین و تفسیر آیه بهره می‌گیرد. کلام شیخ در تفسیر این آیه از این قرار است: «قيل معناه جاهد الكفار بالقتال و الحرب و المنافقين بالقول الذي يردع عن القبيح لا بالحرب إلا أن فيه بذل المجهود فلذلك سماه جهاداً و في قراءة أهل البيت جاهد الكفار بالمنافقين لأنه ص كان يجاهد الكفار و في عسكره جماعة من المنافقين يقاتلون معه» (طوسی، بی‌تا: ۵۲/۱۰). نمونه‌های دیگری از این امر با مقایسه دو تفسیر ذیل آیات ۱۱۸ توبه، ۱۴ سبأ و ۱۹ ق قابل مشاهده است.

با این اوصاف و در راستای تحلیل وجه تمایز تفاسیر روایی شیعه در مسئله اختلاف قرائت می‌توان گفت که مؤلفان تفاسیر روایی متقدم شیعه که در دوران پیش از شیخ طوسی می‌زیسته‌اند، علاقه چندانی به طرح مبحث اختلاف قرائت نداشته‌اند. اگر چه در این تفاسیر روایاتی وجود دارد که به نوعی با مسئله اختلاف قرائت گره خورده اما هدف این مفسران از آوردن چنین روایاتی اثبات وقوع تحریف و تبدیل در آیات قرآن با رویکرد جدلی و تقابلی با اهل سنت است نه طرح مبحثی با عنوان اختلاف قرائت. علاوه بر روایات فراوانی که نشانگر باورمندی این مفسران به وقوع تحریف در قرآن است (به عنوان نمونه نک. قمی، ۱۴۰۴ ق: ۵/۱-۱۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱۲/۱، ۱۳، ۱۸۰، ۲۷۹؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۱۲۲، ۱۴۷) در برخی از این روایات صراحتاً بیان قرآنتی متفاوت از آیه به مثابه مصداقی از وقوع تحریف در قرآن برشمرده شده است. نمونه‌ای از این روایات در بالا ذیل تفسیر آیه ۲۹ جاثیه بیان شد که در بخش پایانی روایت و پس از ذکر قرآنتی متفاوت از آیه از زبان امام صادق (ع) چنین بیان شده که: «إِنَّا لَا نَقْرُؤُهَا هَكَذَا فَقَالَ هَكَذَا وَ اللَّهُ نَزَلَ بِهَا جِبْرَائِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ لَكِنَّهُ فِيمَا حُرِّفَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۲۹۵/۱). مثالی دیگر از این امر ذیل تفسیر آیه ۳۳ آل عمران قابل مشاهده است: «سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ أَدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ قُلْتُ لَيْسَ يُقْرَأُ هَكَذَا قَالَ أُدْخِلَ حَرْفُ مَكَانِ حَرْفٍ» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۷۸).

اما در سوی دیگر، مؤلفان تفاسیر روایی متأخر شیعه؛ حویزی و فیض کاشانی قرار دارند که با تغییری در رویکرد به طرح روایات اختلاف قرائت روی آورده‌اند. اگرچه این دو مفسر همانند مفسران متقدم به ذکر روایاتی مرتبط با وقوع تحریف در قرآن پرداخته‌اند اما در کنار این امر، اهتمام جدی به آوردن روایات حوزه اختلاف قرائت نیز داشته‌اند. روایاتی که در آنها نه

تنها قرائت منسوب به اهل بیت (ع) و صحابه رسول خدا (ص) بلکه قرائات سایر قاریان نیز آورده شده است. همچنین برخلاف روایاتی که مفسران متقدم آورده بودند که مضمون و محتوای آن در راستای بیان مناقب اهل بیت (ع) و مثالب مخالفان ایشان بود، روایات گزینش شده از جانب آنها در اغلب موارد ارتباط چندانی با این مضامین ندارد.

نکته حائز اهمیت آنکه هر دوی این مفسران با ارجاع به کتب مجمع‌البیان و جوامع الجامع طبرسی به این امر مبادرت ورزیده‌اند و در هیچ یک از موارد از تبیین شیخ طوسی سخنی به میان نیاورده‌اند. این امر نمایانگر یکی از مصادیق اجتهادورزی این دو در گزینش منابع است. دقت در نورالثقلین حویزی و الصافی فیض کاشانی نشان می‌دهد که این دو مفسر نه تنها در این مقوله بلکه در هیچ جایی از تفسیر خود از تبیین شیخ به عنوان منبع استفاده نکرده‌اند. تنها در یک مورد ذیل آیه ۲۱۹ بقره، فیض به این منبع ارجاع داده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۲۵۰/۱). این در حالی است که هر دو مفسر از سایر تألیفات شیخ مانند تهذیب، استبصار، الغیبه و آمالی به کرات در تفسیر خود بهره برده‌اند (به عنوان نمونه نک. حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۸۰/۱، ۱۲۲، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۷/۲، ۹۷، ۲۳۴/۳، ۲۳۷، ۲۸۴/۴، ۳۱۳، ۵/۱۲۳، ۲۶۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۱۵۴/۱، ۲۰۴، ۱۷/۲، ۸۸، ۲۸۷/۳، ۳۷۵، ۲۰۳/۴، ۳۹۸، ۱۲۹/۵، ۲۳۴).

طبق آنچه در بالا درباره تفاوت مواجهه شیخ طوسی و طبرسی با روایات این حوزه آمد می‌توان گفت که حویزی و فیض کاشانی برخلاف شیخ از این روایات کارکردی تفسیری مدنظر نداشته‌اند بلکه همچون طبرسی این روایات را در زمره اختلاف قرائات گنجانده‌اند. البته با این توضیح که طبرسی با رویکرد تقریبی روایات مرتبط با این حوزه که به نوعی دلالت بر وقوع تحریف در قرآن را دارد را در تفسیرش نیاورده اما حویزی و فیض با رویکرد اخباری علاوه بر ذکر روایات اختلاف قرائات، روایات دلالت‌کننده بر وقوع تحریف را نیز آورده‌اند. شاهدهی بر این امر آنکه در هیچ جای مجمع‌البیان روایاتی که در آن تعبیری نظیر «هكذا نزلت»، «نزل بها جبرئیل» و امثالهم که بر وقوع تحریف در قرآن دلالت کند وجود ندارد. حال آنکه در نورالثقلین و الصافی این روایات نیز به چشم می‌آید (نک. حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۲۰۷/۱، ۵۱۰، ۲۸۳/۳، ۳۷۵، ۳۰۹/۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۳۳۰/۱، ۴۶۷، ۳۵۸/۲، ۳۰۳/۳، ۲۰۶/۴، ۲۱/۵).

مطلب دیگر آن است که بحرانی از دیگر مفسران متأخر در این مقوله همچون مفسران متقدم عمل کرده و مانند مفسران هم‌دوران خود یعنی حویزی و فیض به آوردن روایات اختلاف قرائات علاقه‌ای نشان نداده است. شاهدهی

بر این امر آنکه او نیز همانند حویزی و فیض روایات زیادی را از مجمع *البیان* نقل کرده (نک. بحرانی، ۱۳۷۴: ۸۶۱/۲، ۸۸۹/۳، ۷۲/۵، ۲۶۰) با این تفاوت که اولاً در اغلب موارد روایاتی را گزینش کرده که مضمون آن مدح مقامات اهل بیت (ع) و قدح دشمنان ایشان باشد و ثانیاً در آن قرآنی منسوب به اهل بیت (ع) یا صحابه رسول خدا (ص) ذکر شده باشد و نه قرآنی سایر قاریان. این نوع عملکرد بحرانی بر اساس تعلقات خاطر وی قابل تحلیل است.

دقت در عناوین تألیفات بحرانی که عمدتاً در باب فضائل و مناقب ائمه معصومین و سخن از ولایت ایشان خاصه امام علی (ع) و نیز بیان منزلت و مرتبت شیعیان و در مقابل بیان ایراد و طعن بر خلفای سه گانه و مخالفان ائمه است شاهدهی بر تعلق خاطر بحرانی به طرح چنین مسائلی است. امری که بازتاب آن در سرتاسر تفسیر *البرهان* در مسائل مختلفی از جمله مسئله اختلاف قرآنیات هویدا است. برخی از آثار او عبارتند از: *فضائل علی و الائمة من ولده و احوالاتهم، رساله فی تفضیل علی (ع) علی الانبیاء اولی العزم، اللوامع النورانیة فی اسماء علی و بنیه القرآنیة، الهدایة القرآنیة الی الولاية الامامیة، بهجة النظر فی اثبات الوصایة و الامامة، التحفة البهیة فی اثبات الوصیة لعلی (ع)، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام، المطاعن البکریة و المثالب العمریة من طریق العثمانیة و نسب عمرین خطاب (خوانساری، ۱۳۹۰: ۱۸۱/۸-۱۸۳)*. مقایسه‌ی تفاسیر روایی شش گانه ذیل برخی از آیات از قبیل ۱۰۲ بقره، ۸۳ تا ۹۹ کهف، ۸۳ و ۸۴ انبیاء، ۴۱ تا ۴۴ ص، ۲۹ فصلت، ۴۵ زخرف، ۱۵ محمد، ۲ فتح، ۱۳ حجرات، ۳۷ ق، ۶۰ رحمن، ۹ حدید، ۱۳ ممتحنه و ۱۰ صف شاهدهی دیگری بر این امر است که وی به گونه‌ای برجسته‌تر به ذکر مناقب ائمه (ع) و شیعیان آنها یا مثالب خلفای سه گانه و دشمنان ائمه (ع) پرداخته است.

نتیجه گیری

مقایسه‌ی تفاسیر روایی مشهور متقدم و متأخر شیعی در مسئله اختلاف قرآنیات، نشانگر تفاوت رویکرد مؤلفان تفاسیر متأخر نسبت به تفاسیر متقدم است. این امر، آشکارکننده این حقیقت است که مؤلفان تفاسیر روایی همچون سایر مفسران و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای، در راستای کشف مراد و مقصود آیات اجتهاد نموده‌اند و در قالب گزینش و چینش روایات به بیان نظرات تفسیری خود پرداخته‌اند. رهاورد این تحقیق حاکی از آن است که هرچند در تفاسیر روایی متقدم روایاتی وجود دارد که به نوعی با مسئله اختلاف قرآنیات گره

خورده اما هدف مؤلفان این تفاسیر از آوردن چنین روایاتی اثبات وقوع تحریف و تبدیل در آیات قرآن با رویکرد جدلی و تقابلی با اهل سنت است نه طرح مبحثی با عنوان اختلاف قرائات. اما در سوی مقابل، حویزی و فیض کاشانی از مؤلفان تفاسیر روایی متأخر قرار دارند که اگرچه همانند مفسران متقدم به ذکر روایاتی دالّ بر وقوع تحریف پرداخته‌اند اما به آوردن روایات حوزه اختلاف قرائات نیز با ارجاع به مجمع‌البیان و جوامع‌الجامع طبرسی نظر داشته‌اند. روایاتی که در آنها برخلاف همگان متقدم‌شان، نه تنها قرائات منسوب به اهل‌بیت (ع) و صحابه رسول خدا (ص) بلکه قرائات سایر قاریان هفت‌گانه و چهارده‌گانه نیز نقل شده است. توجه به نقش اساسی شیخ طوسی و روش او در تفسیر تبیان در مواجهه با روایات اختلاف قرائات و اثرگذاری آن بر تفاسیر بعدی خود از جمله مجمع‌البیان به درک بهتر چرایی این تفاوت رویکرد مدد می‌رساند. گزینش مجمع‌البیان به عنوان منبع و کنارنهادن تبیان از جانب حویزی و فیض زمینه‌ای شده تا آنان برخلاف شیخ که از این روایات بیشتر کارکردی تفسیری مدنظر دارد، هم‌چون طبرسی از منظر اختلاف قرائات به ذکر این روایات روی آورند. البته با این توضیح که طبرسی با رویکرد تقریبی روایات مرتبط با این حوزه که به نوعی دلالت بر وقوع تحریف در قرآن را دارد را در تفسیرش نیاورده اما حویزی و فیض با رویکرد اخباری علاوه بر ذکر روایات اختلاف قرائات، روایات دلالت‌کننده بر وقوع تحریف را نیز آورده‌اند.

کتابنامه

- قرآن کریم
ابن‌فارس، احمدبن فارس (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
احمدی، محمدحسن (۱۳۸۵ ش). «محدثان شیعه و آسیب‌شناسی روایات تحریف قرآن». شیعه‌شناسی. ش ۱۶، ۹۷-۱۲۳.
استادی، کاظم (۱۳۹۴ ش). «کتاب‌شناسی عدم تحریف قرآن». آینه پژوهش. سال بیست و ششم، شماره دوم، ۷۷-۱۰۶.
استرآبادی، محمدمین (۱۴۲۶ ق). الفوائد المنیة. تحقیق رحمتی اراکی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
ایازی، محمدعلی (۱۳۷۳ ش). سیر تطور تفاسیر شیعه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بابایی، علی اکبر (۱۳۸۶ ش). مکاتب تفسیری. تهران: سمت- پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ ش). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثة. پالمر، ریچارد (۱۳۸۴ ش). علم هرمنوتیک. ترجمه محمد سعید حنایی. تهران: هرمس.

پیچان، مهدی، و نیل‌ساز، نصرت (۱۴۰۱ ش). «پیش و پس از گلدتسیهر: واکاوی سیر تحولات مطالعات تفسیری». آینه پژوهش. سال سی و سوم، ۶۹-۸۷.

10.22081/JAP.2022.74026 شناسه دیجیتال (DOI)

پیچان، مهدی، و نیل‌ساز، نصرت (۱۴۰۳ ش). «مطالعه تطبیقی تفاسیر روایی شیعه در مسئله تحریف قرآن در پرتو تحلیل شرایط زمینه‌ای». کتاب‌قیم. در دست انتشار.

10.30512/KQ.2025.21686.3892 شناسه دیجیتال (DOI)

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۴ ش). نزاهت قرآن از تحریف. قم: اسراء. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق). نورالثقلین. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان.

خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰ ش). روضات الجنات. قم: اسماعیلیان. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. قم: بی‌نا. دیلتای، ویلهلم (۱۳۹۱ ش). دانش هرمنوتیک و مطالعه تاریخ. ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی. تهران: ققنوس.

رضازاده عسکری، زهرا (۱۳۸۴ ش). «نقش شیخ طوسی در ایجاد نهضت علمی با تأکید بر تطور فقهی». پژوهش دینی. ش ۱۲، ۲۳۵-۲۵۰.

شبیبری زنجانی، محمدجواد (بی‌تا). «تفسیر علی‌بن ابراهیم قمی». دانشنامه جهان اسلام. بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

صفار قمی، محمدبن حسن (۱۴۰۴ ق). بصائر الدرجات. قم: مکتبة آية الله المرعشي نجفی.

طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲ ش). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو.

طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

_____ (۱۴۲۰ ق). الفهرست. مکتبة المحقق الطباطبائی.

طهرانی، شیخ آقابرگ (۱۴۰۸ ق). الذریعة. اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة. عسکری، سیمیرتضی (۱۴۱۶ ق). القرآن الکریم و روایات المدرستین. تهران: مجمع علمی الاسلامی.

عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳ ش). مبانی و روش‌های تفسیر قرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

تبیین تفاوت رویکرد تفاسیر روایی شیعه نسبت به مسئله اختلاف ... / غفارزاده ۱۶۹

- عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ ق). کتاب التفسیر. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: چاپخانه علمیه.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ ق). تفسیر فرات کوفی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق). الصافی. تحقیق حسین اعلمی. تهران: مکتبه الصدر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). تفسیر القمی. تحقیق طیب موسوی جزائری. قم: دارالکتاب.
- کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۵ ش). «اختلاف قرائت یا تحریف قرآن؛ نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر التبیان». علوم حدیث. سال یازدهم. شماره دوم. ۳-۲۱.
- _____ (۱۳۹۵ ش). «طبری و تفاسیر شیعه: برخی روابط تفسیری شیعه و سنی در دوران کهن با تأکید بر التبیان شیخ طوسی». صحیفه مبین. ش ۵۹، ۱۱-۵۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17358701.1395.22.59.2.4>
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۰ ش). «بررسی ستیزه‌های دیرین درباره تحریف قرآن». ترجمه محمدکاظم رحمتی. هفت آسمان. ش ۱۱، ۴۱-۷۸.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۹۴ ش). تفسیر و مفسران. قم: انتشارات تمهید.
- _____ (۱۴۲۸ ق). صیانة القرآن من التحریف. قم: التمهید.
- نجازادگان، فتح‌الله (۱۳۸۲ ش). سلامة القرآن من التحریف. تهران: مشعر.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ ش). رجال. مؤسسه النشر الاسلامی.
- هرش، اریک (۱۳۹۵ ش). اعتبار در تفسیر. ترجمه محمدحسین مختاری. تهران: انتشارات حکمت.
- یعقوب‌خانی، مرتضی، و اکردلو، لیلا (۱۳۹۹ ش). «تحلیل بازتاب قرائت منسوب به معصومین در تفسیر تبیان و مجمع البیان». مطالعات قرائت قرآن. ش ۱۵، ۱۰۹-۱۲۸. <https://doi.org/10.22034/qer.2021.5441>

Bibliography

Holy Quran

- Ibn Fares, Ahmad Ibn Fares (1404 AH). Mu'jam Maqaies al-loghah. Qom: School of Islamic Studies. [In Arabic]
- Ahmadi, Muhammad Hasan (2006). "Shi'a Traditionists and the Pathology of Quranic Distortion Narratives". Shi'a Studies. Vol. 16, 97-123. [In Persian]
- Ostadi, Kazem (2015). "Bibliography of the Non-Distortion of the Quran". Ayenah Pazhoohesh. Year 26, Issue 2, 77-106. [In Persian]
- Astrabadi, Muhammad Amin (1426 AH). Favaed al-madaneeyah. Research by Rahmati Araki. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. [In Arabic]
- Ayazi, Muhammad Ali (1373 AD). The evolution of Shia interpretations. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]

- Babaei, Ali-Akbar (1386 AD). Commentary schools. Tehran: Semit-Hozeh and University Research Institute. [In Persian]
- Bahrani, Seyyed hashem bin Suleyman (1374 AD). Al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Ba'ath Institute. [In Arabic]
- Palmer, Richard (2004). The science of hermeneutics. Translated by Mohammad Saeed Hanai. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Pichan, Mahdi and Nilsaz, Nusrat (1401 AD). "Before and after Goldetsihar: Analyzing the evolution of interpretive studies". Ayanah Pazhooesh. Year 33, 69-87. [In Persian] 10.22081/JAP.2022.74026 (DOI)
- Pichan, Mahdi, and Nilsaz, Nusrat (1403 AD). "A Comparative Study of Shi'a Narrative Interpretations on the Issue of Quranic Distortion in the Light of an Analysis of the Contextual Conditions." Ketab e Qayim. To be published. [In Persian] 10.30512/KQ.2025.21686.3892 (DOI)
- Javadi Amoli, Abdullah (1384 AD). The Purity of the Quran from Distortion. Qom: Israa. [In Persian]
- Huweizi, Abd Ali bin Juma (1415 AH). Noor al-Saqlain Research by Seyed Hashem Rasouli Mahalati. Qom: Ismailian. [In Arabic]
- Khansari, Muhammad Baqer (1390 AD). Ruzat al-Jannat. Qom: Ismailian. [In Arabic]
- Khoi, Abul Qasim (1413 AH). The dictionary of Rijal al-Hadith and the description of the categories of al-Rawah. Qom: No. [In Arabic]
- Diltai, Wilhelm (2011). Hermeneutic knowledge and history study. Translated by Manouchehr Saneyi Dareh Beidi. Tehran: qoqnu. [In Persian]
- Rezazadeh Askari, Zahra (1386 AD). "The Role of Sheikh Tusi in Creating a Scientific Movement with an Emphasis on Jurisprudential Development". Religious Research. Vol. 12, 235-250. [In Persian]
- Shubeyri Zanjani, Muhammad Javad (N.d). "The Interpretation of Ali ibn Ibrahim Qomi". Encyclopedia of the Islamic World. Islamic Encyclopedia Foundation. [In Persian]
- Saffar Qomi, Muhammad ibn Hasan (1404 AH). Basa'ir al-Darajat. Qom: Maktaba Ayatollah al-Mar'ashi Najafi. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan (1372 AD). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Nasser Khosro Publications. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad bin Hasan (N.d). Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
- _____ (1420 AH). Al-Fehrest. Al-Muhaqq Al-Tabatab'i's Library. [In Arabic]
- Tehrani, Sheikh Aqabozorg (1408 AH). Al-Dhari'a. Ismailis and the Islamic Library. [In Arabic]
- Askari, Said Morteza (1416 AH). Al-Qur'an al-Karim and hadiths of al-Madrasteen. Tehran: Islamic Islamic Conference. [In Arabic]
- Amid Zanjani, Abbas Ali (1373 AD). Basics and methods of Qur'an interpretation. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Ayashi, Muhammad Bin Massoud (1380 AD). Book of interpretation. Research by Seyed Hashem Rasouli Mahalati. Tehran: Ilmia Printing House. [In Arabic]

- Furat Kufi, Furat bin Ibrahim (1410 AH). Commentary of Furat Kufi. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Guidance. [In Arabic]
- Feyz Kashani, Mulla mohsen (1415 AH). Al-Safi Husein Alami's research. Tehran: Sadr School. [In Arabic]
- Qomi, Ali Ibn Ibrahim (1404 AH). Tafsir al-Qami. Research by Tayyab Mousavi Al-Jaziari. Qom: Daral Kitab. [In Arabic]
- Kariminia, Morteza (1385 AD). "Difference in recitation or distortion of the Qur'an; A look at the narration of Shia narrations in Tafsir Al-Tabayan". Science of Hadith 11th year Number two. 3-21. [In Persian]
- _____ (1395 AD). "Tabari and Shi'a Interpretations: Some Shi'a and Sunni Interpretational Relations in the Ancient Era with Emphasis on the Explanation of Sheikh Tusi". Sahifa Mobin. Vol. 59, 11-50. [In Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17358701.1395.22.59.2.4>
- Kuleyni, Muhammad ibn Ya'qub (1407 AH). Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya.
- Modarresi Tabataba'i, Husein (1380 AD). "A Study of the Ancient Controversies about the Distortion of the Quran". Translated by Muhammad Kazem Rahmati. Haft Aseman. Vol. 11, 41-78. [In Persian]
- Marfat, Muhammad Hadi (1394 AD). Tafsir and commentators. Qom: Tamhid Publications. [In Persian]
- _____ (1428 AH). The Protection of the Quran from Distortion. Qom: Al-Tamhid. [In Arabic]
- Najarzadegan, Fathullah (1382 AD). The Protection of the Quran from Distortion. Tehran: Mashaar. [In Arabic]
- Najashi, Ahmad bin Ali (1365 AD). Rijal. Islamic Publishing House. [In Arabic]
- Hersh, Eric (2016). Validity in interpretation. Translated by Mohammad Hossein Mokhtari. Tehran: Hekmat Publications. [In Persian]
- Yaqoobkhani, Morteza, and Akradlu, Leila (1399 AD). "Analysis of the Reflection of Readings Attributed to the Infallibles in the Tafsir of Tabyan and Majma' al-Bayan." Studies in Quranic Reading. Vol. 15, 109-128. [In Persian] <https://doi.org/10.22034/qer.2021.5441>